

# قدیم‌ترین مسجد ایران در شوش

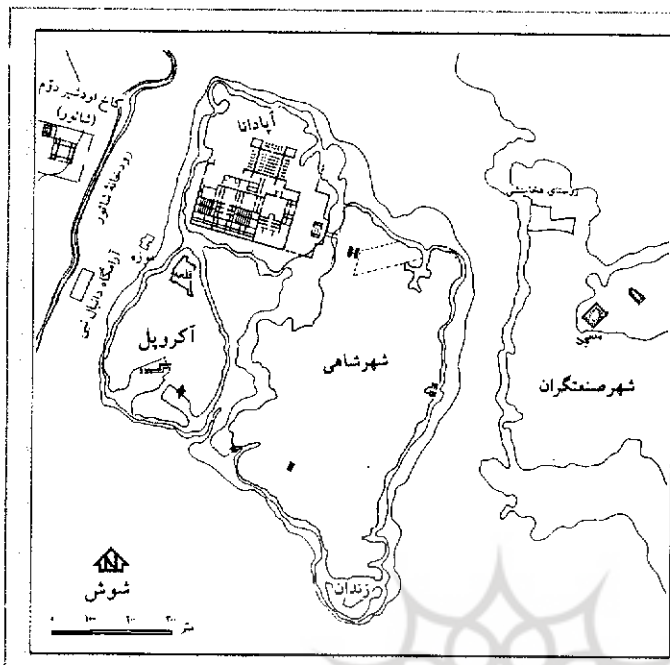
فرهاد چگنی

مسجد، مهم‌ترین و آشکارترین بنای مذهبی در اسلام است و ساخت آن در مقایسه با سایر بناهای اسلامی همواره اهمیت بیشتری داشته است. شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مساجد، در صدر اسلام علاوه بر این که محل اقامه نماز و فرایض بوده، مرکز سیاسی، اجتماعی، نظامی، علمی، قضایی و اداری نیز بوده است. مسجد تالار اجتماعات مسلمانان، خانه مستمندان، پناهگاه مظلومان، مکانی برای درس و بحث طلاب و محل ایراد خطابه، ابلاغ فرمان سلاطین، اعلام جنگ و بسیج و اخذ مالیات بود و نقش مهمی در زندگی روزمره مسلمانان داشت.

مساجد اولیه بناهایی بسیار ساده بودند؛ در محوطه‌ای مربع یا مستطیل شکل و رو به قبله با دیوارهای خشتی ساخته می‌شدند (مانند مساجد مدینه، کوفه و بصره). در ایران از مساجد و بناهای اولیه اسلام نمونه‌های زیادی به جا نمانده، ولی طبق تحقیقات باستان‌شناسی و تاریخی، مساجد شوش در فهرج از قدیمی‌ترین نمونه‌های مساجد در ایران به شمار می‌روند<sup>۱</sup>.

این نوشتار بر آن است تا با کمک گزارش‌های باستان‌شناسی و اطلاعات تاریخی و نیز مشاهدات عینی نگارنده، به بازنگری و معرفی مسجد کهن شوش پردازد. امید است این نوشته باعث توجه مسؤولان محترم در حفاظت از این اثر ارزشمند شود. در آغاز لازم است به اوضاع شوش در قرون اولیه اسلامی (زمان آبادانی مسجد) نگاهی گذرا بیفکنیم تا با اهمیت شوش از نظر تاریخی، مذهبی و اقتصادی آشنایی مختصری حاصل آید.



نقشه تپه‌های باستانی شوش  
استخراج از: کاویار عبیدی،  
«صدوسی سال حفاری در شوش»  
مجله میراث فرهنگی، ش ۱۲ تابستان و پائیز ۱۳۷۳.

#### وضعیت شوش در قرون اولیه اسلامی

شوش در سال هفدهم هجری به دست لشکر اسلام فتح شد<sup>۱</sup>. ساکنان در مقابل سپاهیان اسلام به دلیل مقاومت شدید این شهر صدمات فراوان دیدند<sup>۲</sup>. اما به زودی، با توجه به سوابق تاریخی و تولید محصولات کشاورزی و موقعیت خاص شوش، اهمیت آن بر مسلمانان آشکار شد و از سوی حکام جدید به آن توجه شد و دوباره آبادانی خود را از سر گرفت. شوش صاحب پادگان نظامی و فرماندار و حاکم شد و از آن پس مالیات خود را به خلیفه پرداخت<sup>۳</sup>.

وجود مقبره حضرت دانیال پیامبر (ع) در شوش، تأثیر فراوان در آبادانی این شهر داشت. زائران مسلمان و یهودی برای زیارت مقبره حضرت دانیال (ع) بدین شهر مسافرت می‌کردند و شوش، رفته‌رفته به صورت شهر و مرکزی مذهبی درآمد<sup>۴</sup>. زیارت مقبره عواید اقتصادی مهمی برای شهر در بر داشت<sup>۵</sup>.

مدارک تاریخی و داده‌های باستان‌شناسی به آبادانی شوش در قرون اول و دوم هجری گواهی می‌دهند. تعداد متونی که از وضعیت خوب کشاورزی و بازرگانی شوش تمجید کرده‌اند، بی‌شمار است. در این زمینه شوش از دو امتیاز بهره گرفته است: موقعیتی که در بازرگانی میان رودان (بین‌النهرین) از آن برخوردار بوده، و موقعیتی که در مرکز یک منطقه کشاورزی حاصل‌خیز داشته است.

در این منطقه محصولاتی همچون نیشکر، گندم، جو، کنجد، برنج، خرما و لیموترش کشت می‌شده و از تولید فراوان برخوردار بوده و غلات و برنج و شکر آن به مناطق دیگر به ویژه میان‌رودان، صادر می‌شده است<sup>۶</sup>. کشت نیشکر و در پرتو آن تولید شکر که امروزه نیز در دشت حاصل‌خیز شوش رونق خوبی دارد با کشف محل کارخانه شکرسازی شوش در کاوش‌های باستان‌شناسی، تأیید شده است<sup>۷</sup>.

این کشاورزی پررونق در قرون اولیه اسلامی، حاصل سرمایه‌گذاری‌های ساسانیان در بخش کشاورزی، به‌ویژه در ایجاد و مراقبت و نگهداری شبکه آب‌رسانی بوده است.<sup>۱</sup> شوشی‌ها، علاوه بر کشاورزی، به دامداری و پرورش اسب و گاو نیز می‌پرداخته‌اند. علاوه بر آن فعالیت صنعتی نیز در شوش اهمیت بسیار داشته است. در میان این فعالیت‌ها، صنعت پارچه‌بافی، به ویژه ابریشم‌بافی، که در منابع به آن بسیار اشاره شده است، از همه مهم‌تر و غالب بوده است. بخشی از این فراورده‌های نساجی به صورت محصولات لوکس و صادراتی بوده است. نساجی نیز میراثی از دوره ساسانی به شمار می‌رود.<sup>۲</sup>

در حدود قرن دوم هجری قسمت اعظم جمعیت شوش را زرتشتیان، یهودیان و مسیحیان تشکیل می‌دادند که هنوز به سبک دوران ساسانی در منطقه تپه شوش و در قسمت‌های آپادانا و شهرک سلطنتی زندگی می‌کردند. در قسمت شرقی تپه، که تا اندازه‌ای متروک بود، به تدریج مسلمانان مستقر شدند و اولین مسجد خود را در شوش بنا نهادند که به تدریج اطراف آن مسکونی شد و به صورت مرکز اصلی شهر شوش درآمد و رونقی خاص یافت.

از سوی دیگر قسمت‌های غربی تپه شوش به تدریج اهمیت خود را از دست داد و به مرکز صنعتی شهر تبدیل شد. از قرن دوم تا چهارم هجری شوش بار دیگر دوران رونق و شکوفایی خود را بازیافت. بر اساس داده‌های باستان‌شناسی در قرن چهارم هجری، مساحت شوش چهار کیلومتر مربع بوده است.<sup>۳</sup>

اکنون ببینیم مورخان و جغرافی‌نویسان در باره شوش چه‌گونه اظهار نظر کرده‌اند. اصطخری جغرافیادان، که در نیمه نخست قرن چهارم هجری می‌زیست (۳۴۰ هـ ق)، ضمن سخن راندن از ابریشم شوش، می‌گوید که آن را به تمام قسمت‌های کشور صادر می‌کردند. وی به علاوه به یک طراز شاهزاده‌وار اشاره می‌کند: «در سوس جامه‌های خز مرتفع بافند و جنسی از ترنج خیزد کی آن را پنج‌انگشت گویند، به غایت خوش‌بوی. و به سوس جامه‌های خز خیزد. و به قرقوب و سوس طراز سلطان باشد».<sup>۴</sup>

در کتاب حدودالعالم، که در قرن چهارم هجری تألیف شده است، (۳۷۲ هـ ق) به اهمیت فراوان شوش، به لحاظ مرکزیت و به خصوص تجارت در این دوره اشاره شده است: «شوش شهری است توانگر و جای بازرگانان و بارکده خوزستان و از وی جامه و عمامه خز خیزد و ترنج دست‌انبوی خیزد و تابوت دانیال پیغمبر را آن جا یافتند».<sup>۵</sup>

از این که شهر شوش تا چه زمانی آباد بوده، اطلاع دقیقی در دست نیست، اما احتمال می‌رود که از اواخر قرن چهارم هجری به بعد اعتبار خود را از دست داده، به طوری که مقدسی در اواخر قرن چهارم هجری (۳۷۵ هـ ق) ضمن توصیف شهر، یادآوری می‌کند که شوش در وضعی ویران قرار دارد و ساکنان آن در حومه شهر زندگی می‌کنند: «شوش قصبه‌ای است خوش و آبادان با مردم نیک‌اندیش و بازارهای روشن، نان نیکو آب‌های روان آسیاهای شهر را می‌گرداند، گرمابه‌ها پاکیزه، شیرینی ارزان، آبادی‌ها دلگشا، حومه‌اش زیبا، نعمت فراوان، نیشکر شگفت‌انگیز؛ دانش، قرآن، حدیث، ادب، سنت و جماعت دارند. جامعی هموار، با ستون‌های گرد دارد... شهر ویرانه است و مردم در ریض زندگی می‌کنند».<sup>۶</sup> در نیمه قرن ششم هجری، ادریسی از شوش به عنوان شهری که هنوز از جمعیت برخوردار بوده است، سخن می‌راند.<sup>۷</sup>

حمدالله مستوفی که در قرن هشتم هجری (۷۴۰ هـ.ق) یعنی پس از دوره مغول شوش را دیده، در باره آن چنین آورده است: «سوس از اقلیم سیم و شهری وسط است و گرمسیر. مهالیل ابن قینان بن انوش ابن شیث ابن آدم ساخت. و این اولین شهر است که در خوزستان بنا گردید و هوشنگ بر آن عمارت افزود؛ آن جا قلعه محکم ساخت و بر آن قلعه دیگر ساخت که در غایت استحکام بود. شاپور ذوالاکتاف تجدید عمارت آن شهر کرد و شاپور خوره خواند و شکلش بر مثال باز نهاده بود. گور دانیال پیغمبر بر جانب غربی آن شهر است، در میان آب<sup>۱۷</sup>». مستوفی بیش از این مطلب خاصی در باره اوضاع شهر ندارد. از چگونگی توصیف مستوفی می توان چنین نتیجه گرفت که مسلماً در این زمان، و شاید در اثر حمله مغول، شوش به کلی رونق و اهمیت ادوار اولیه اسلامی خود را از دست داده بود.

لسترینج نیز، با توجه به مطالب مورخان و جغرافی نویسان اسلامی و ایرانی، اوضاع شوش در قرون اولیه اسلامی را چنین شرح می دهد: «در قرون وسطی شوش شهری آباد و مرکز ولایتی بوده که چندین شهر از توابع آن بوده است. در این دوره نیز از جهت دارا بودن محصول نیشکر معروف بوده و ابریشم خام و نارنج آن نیز شهرت بسزایی داشته است. شهر دارای قلعه ای مستحکم و قدیمی و بازارهایی باشکوه و مسجدی بوده که سقف آن بر ستون های مدوری قرار داشته است...»<sup>۱۸</sup>.

با توجه به مطالبی که ذکر شد، شوش از اواخر قرن چهارم هجری و طی قرن پنجم هجری به بعد، به دلایلی نامعلوم، ارزش و اهمیت خود را به عنوان یک شهر مهم از دست داد و اندک اندک آبادانی از آن رخت بر بست و از آن زمان به بعد رو به ویرانی نهاد و سرانجام در قرون هفتم و هشتم هجری به کلی متروک شد. از قرن هشتم تا سیزدهم هجری، برابر با قرن نوزدهم میلادی، وضع به یک منوال بود. در این دوره طولانی، حیات در آن جا به رفت و آمد زائران آرامگاه حضرت دانیال (ع) منحصر شده است. از قرن نوزدهم میلادی به بعد مجدداً مردمانی در این مکان به گرد حرم حضرت دانیال (ع) ساکن شدند و این شهر کهن بار دیگر رونق خود را باز یافت.

### موقعیت و پیشینه مطالعات باستان شناسی مسجد شوش

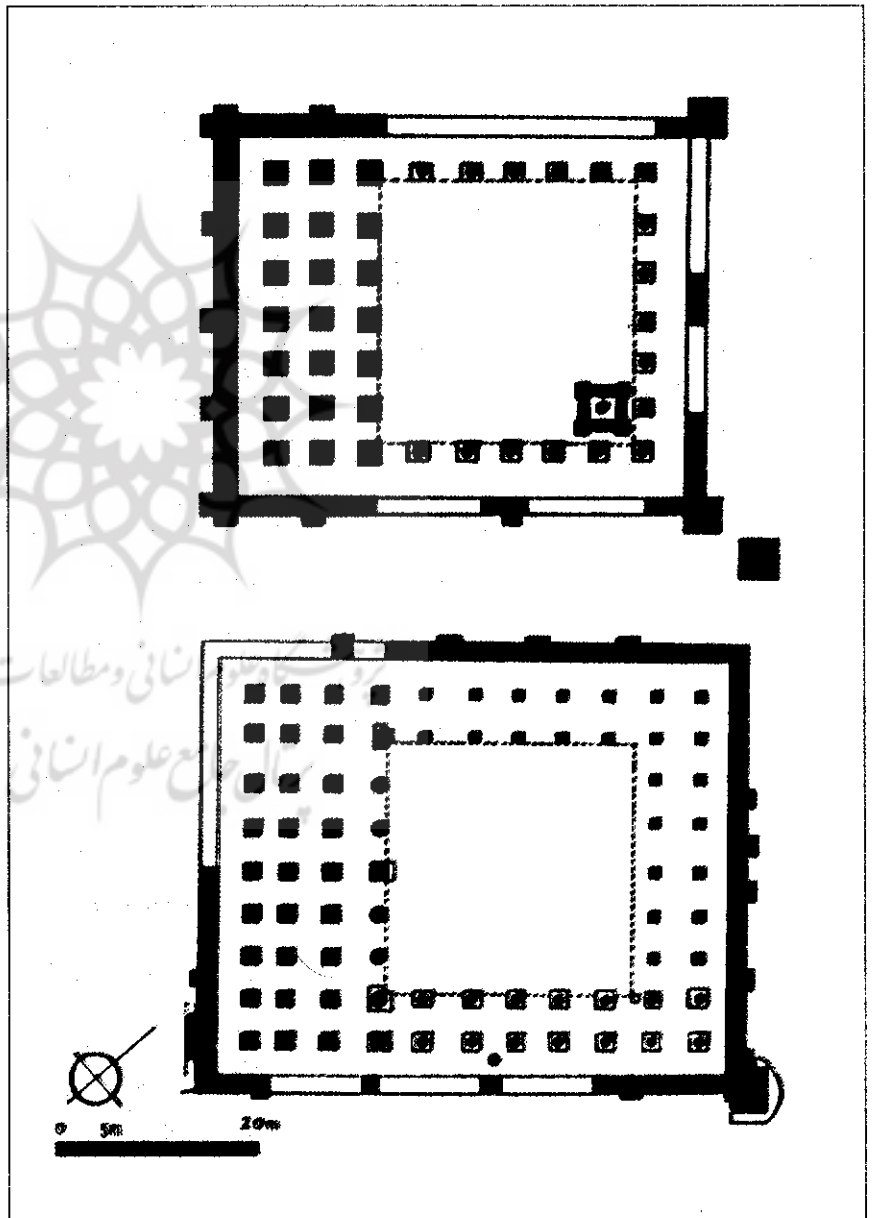
وسعت محوطه باستانی شوش، بنا بر شواهد باستان شناسی، نزدیک به چهارصد هکتار است. این محوطه پهناور در بین دو رود بزرگ کرخه (در غرب) و دز (تقریباً در شرق) جای گرفته است. در دهه های پایانی قرن نوزدهم میلادی، وقتی پای فرانسویان به شوش رسید، پس از تهیه نقشه های مختلف بر اساس وضعیت تپه ها و نشیب و فرازهای آن، این محوطه را به چهار قسمت تقسیم و نامگذاری کرده اند که امروزه نیز به همین نام ها شهره اند: تپه بلندتر را که در جنوب غربی واقع شده «ارگ» یا «آکروپل»<sup>۱۹</sup>، تپه شمالی را «آپادانا»<sup>۲۰</sup>، تپه سوم را که در شرق این دو تپه جای دارد «شهر شاهی» نام دادند و کلیه محوطه سمت شرق و شمال این فضای پهناور را به نام «شهر صنعتگران» یا پیشه وران یاد کرده اند (بنگرید به نقشه تپه های باستانی شوش). شهر صنعتگران پهنه وسیعی است که از تپه ها و اراضی تاریخی تشکیل شده و عموماً دارای بقایای آثاری مربوط به اوایل اسلام است. بقایای مسجد بزرگ و قدیم شوش در این منطقه کشف شده که قسمت هایی از دیوارهای آن به وضوح قابل مشاهده است.

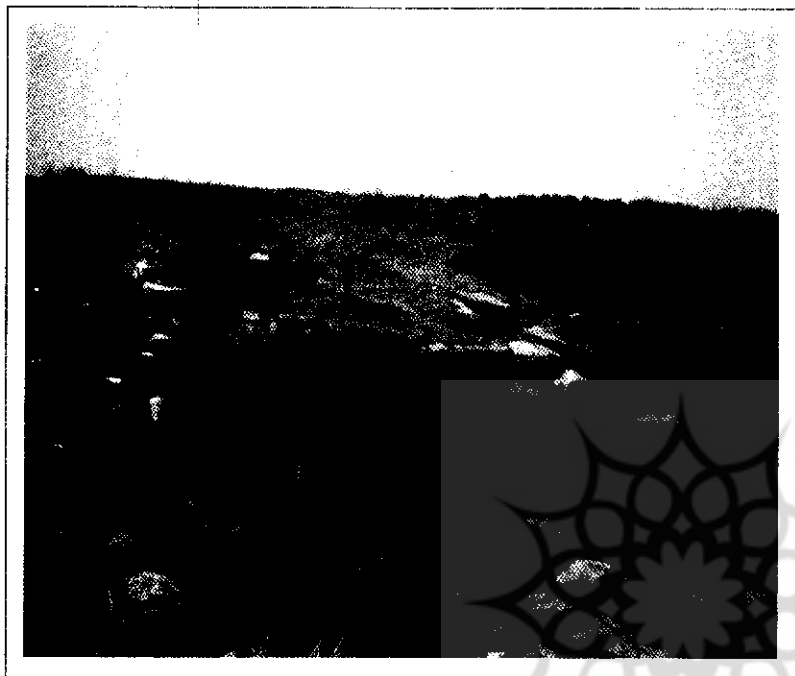
در سال های ۱۹۴۷ و ۱۹۴۸ میلادی پرفسور گیرشمن<sup>۲۱</sup> در تپه موسوم به «شهر صنعتگران» جست و جوهایی کرده که

تا آن تاریخ سابقه نداشت. در این محل سه طبقه از زیر خاک بیرون آمده که ضخامت هر یک از آنها یک تا دو متر و همه از دوران اسلامی بود. در این تپه، آثار مسجد قدیمی شوش پیدا شد. در طبقه پایین تر، گورستانی از دوران اشکانی و سلوکی قرار داشت (از ۳۰۰ پیش از میلاد تا ۲۰۰ بعد از میلاد<sup>۲۳</sup>). وجود گورهای زیاد از دوره های مختلف قبل از اسلام در این محل، نشانگر آن است که این تپه بعداً به صورت گورستانی درآمده است. وقتی مسلمانان وارد شوش شدند، احتمالاً تنها این تپه فاقد هر نوع ساختمانی بوده و به صورت سکوی صافی درآمده بود. بنابراین ساختمان های دوران اسلامی در روی آن برپا شد. مهمترین بنایی که گیرشمن موفق می شود از زیر خاک بیرون بیاورد، باقی مانده های این مسجد بود که نزدیک مرتفع ترین نقطه این تپه قرار داشت.

گیرشمن گزارش آثار به دست آمده از مسجد شوش را در جلد دوازدهم مجله بررسی های شرقی منتشر کرد که ترجمه آن به فارسی در مجله بررسی های تاریخی<sup>۲۴</sup> به چاپ رسیده است.

آخرین کاوش های باستان شناسی بعد از کاوش های گیرشمن در مسجد شوش، در سال های ۱۹۷۶ تا ۱۹۷۸ میلادی توسط دو باستان شناس فرانسوی دیگر به نام مونیک کروران<sup>۲۴</sup> و اکسل روزول<sup>۲۵</sup> صورت گرفته است که گزارش کامل آن به همراه عکس و نقشه در مجلات *DAFI*<sup>۲۶</sup> و *PALEORIENT* به زبان فرانسه به چاپ رسیده است. این باستان شناسان معتقدند که این مسجد دولایه داشته است: لایه قدیمی تر در مقیاس و اندازه هایی کوچک تر بر روی یک گورستان پارتی قرار داشته که از خشت و



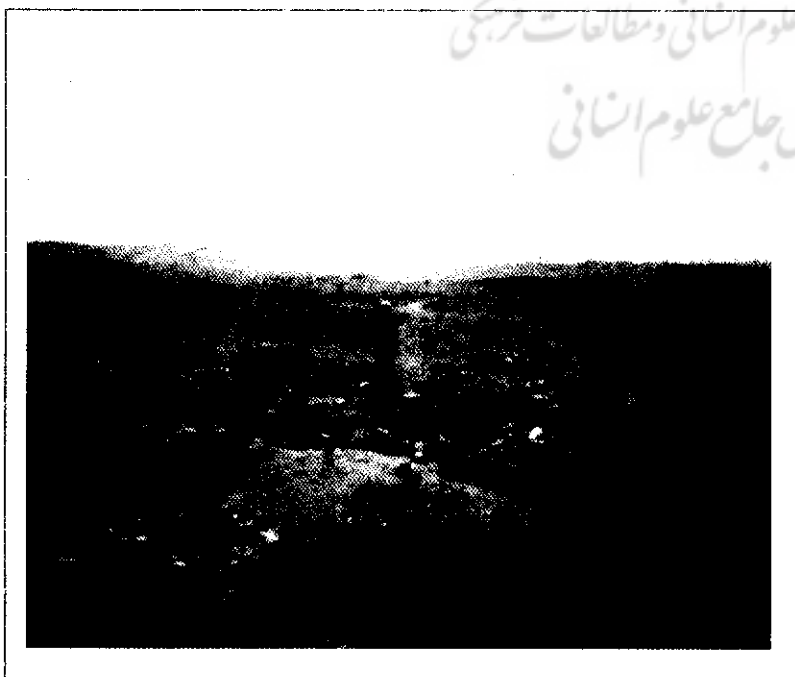


آجرهای بزرگی که به روش ساسانی پخته شده‌اند، ساخته شده است که آن را نیز قبلاً گیرشمن کشف کرده اما به عنوان مسجد مشخص نساخته است. این باستان‌شناسان تاریخ تقریبی ساخت مسجد اولیه را اواسط قرن اول هجری می‌دانند و بر این باورند که بعد از ویرانی مسجد اولیه، در آغاز قرن دوم هجری، مسجد قدیمی را با آجر بازسازی و بزرگ‌تر بنا کرده‌اند. مسجد جدید با کتیبه‌های کوفی و قاب‌های گچ‌بری شده تزیین شده است. از این مسجد تا قرن پنجم هجری استفاده می‌شده است.<sup>۲۸</sup> (بنگرید به شکل ۱).

#### توضیح و تشریح مسجد شوش

این مسجد با کمی انحنا از جهات اربعه، به شکل مربع مستطیل در جهت شمال غربی - جنوب شرقی احداث شده است. با احتساب پشتیبان‌های دیوارگرد مسجد، طول آن ۵۷ متر و عرض آن ۴۸ متر است. ابعاد و طرح کلی این مسجد تقریباً نزدیک به مسجدی است که پیغمبر (ص) در مدینه بر پا کرد؛ چرا که مسجد مدینه، مسجدی مربع با طرفین تقریباً ۵۰ متر بوده است. مسجد شوش به دلایل نامعلوم در قرون میانه اسلامی به طور کلی تخریب شد و امروز بجز بقایایی از پایه ستون‌ها و قسمت‌هایی از دیوارهای آن، که توسط باستان‌شناسان به دست آمده، چیز دیگری از آن بر جای نمانده است. با توجه به همین آثار بر جای مانده، قسمت‌های مختلف مسجد به این شرح است:

۱. ورودی در مسجد: تنها ورودی مسجد در



دیوار شمالی آن قرار دارد و برابر آن چهار پله است که اولین آنها ۱/۴۰ متر از کف صحن مسجد پایین تر است. مدخل مسجد روی محور بنا نیست و کمی در طرف راست آن قرار گرفته است.

۲. دیوار مسجد: دیوار خارجی مسجد تقریباً به طول ۵۷ متر و عرض ۴۸ متر است. این دیوار از خشت خام است و فقط در پی‌ریزی‌های آن از آجرهایی به ابعاد  $۷ \times ۳۰ \times ۳۰$  سانتی‌متر استفاده شده است. پهنای دیوار خارجی مسجد به‌طور متوسط  $۱/۸۵$  متر است و از طرف خارج دیوار به فاصله‌های  $۷/۶۰$  متر پشتیبان‌هایی از خشت خام قرار داده‌اند تا استحکام بیشتری به دیوار بدهند. پشتیبان‌های اضلاع و گوشه‌ها (به‌جز گوشه شمال شرقی که مناره در آن تعبیه شده است) چهارگوش است



و دیوار را چون حصاری نشان می‌دهد. از ارتفاع نهایی دیوارها اطلاع دقیقی در دسترس نیست. امروزه جز چند رج آجر، ارتفاع چندانی از دیوار مسجد بر جای نمانده است.

۳. حیاط مسجد: مسجد دارای یک حیاط مرکزی است که رواق‌هایی ستون‌دار در هر یک از اضلاع شرق و شمال و غرب آن قرار دارد و در جنوب آن، شبستان ستون‌دار مسجد واقع شده است. حیاط مسجد تقریباً مربع شکل و به ابعاد  $۲۶ \times ۲۶/۵$  متر است.

با توجه به آثار موجود، کف حیاط را با آجرهایی به شکل مربع به ابعاد  $۴ \times ۲۰ \times ۲۰$  سانتی‌متر، فرش کردند. در چند جای حیاط هنوز قسمت‌های مضطربی از این آجر فرش‌ها بر جای مانده و قابل مشاهده است. آجرهای به‌کار رفته در پوشش کف حیاط با آجرهای پایه‌ی ستون‌ها و پی‌ریزی دیوارها متفاوت است و ابعاد آن‌ها کوچک‌تر و ظریف‌تر است.

۴. شبستان مسجد: شبستان مسجد در قسمت جنوب - جنوب غربی و تقریباً رو به مکه (قبله) واقع شده و در آن جاتالاری مرکب از چهار ردیف ۹ ستونی از آجر برپا کرده بودند. این شبستان دارای چهار ناو شرقی - غربی و ده ناو شمالی - جنوبی و مجموعاً بر ۳۶ ستون استوار بوده است. ابعاد شبستان  $۲۵ \times ۴۵ \times ۲۰$  متر است که با احتساب آن می‌توان گفت شبستان مسجد مجموعاً مساحتی حدود هزار متر مربع داشته است.

امروزه به جز بقایای مضطرب پایه ستون‌ها، از ساقه ستون‌های مسجد اثری بر جای نمانده است. در ساخت پایه ستون‌های شبستان از آجرهایی به ابعاد  $۹ \times ۳۷ \times ۳۷$  و  $۴ \times ۳۰ \times ۳۰$  سانتی‌متر و ملاط ساروج استفاده شده است. پایه ستون‌ها مربع شکل بوده و ابعاد آن از روی سطح زمین حدود  $۲/۲۰ \times ۲/۲۰$  متر و در بالا این ابعاد به  $۱ \times ۱$  متر و سپس سطح بالایی پایه ستون شکل دایره به خود می‌گیرد. تعدادی از این پایه ستون‌ها تا ارتفاع حدود یک متر سالم باقی مانده، اما اکثر آنها کم‌ارتفاع و فرو ریخته‌اند. (عکس‌های ۱ و ۲). از ارتفاع کلی و جنس ستون‌های مسجد اطلاع دقیقی در دست نیست. گیرشمن احتمال داده است که ارتفاع ستون‌های مسجد در حدود ۴ تا ۵ متر بوده است<sup>۲۹</sup>. از بین رفتن کامل ستون‌ها این احتمال را تقویت می‌کند که ستون‌ها





از چوب ساخته شده‌اند. منابع تاریخی هم متأسفانه فقط به فرم ستون‌ها اشاره کرده‌اند. «... جامعی هموار، با ستون‌های گرد دارد،...»<sup>۳</sup> و اطلاعات دیگری به دست نمی‌دهند. از فرم بنا جز آنچه پلان نشان می‌دهد، اطلاع کافی در دست نیست، اما با کشف بعضی قطعات، کاوشگران این بنا معتقدند که اولاً در بالای ستون‌ها تاق‌ها و گنبدها قرار داشته است، ثانیاً قوس‌هایی که در بالای این ستون‌ها قرار داشته غالباً با گچ‌بری‌هایی مزین شده بوده است.

قسمتی از این گچ‌بری‌ها به دست آمده است و احتمالاً در قسمت بالای این قوس‌ها تقریباً کتیبه‌هایی که با خط کوفی از سوره‌های قرآن در آجر تراشیده شده بود، وجود

داشته است. گیرشمن باقیمانده‌های سه نوع از این کتیبه‌ها را در حاشیه جنوب شرقی حیاط مسجد به دست آورده است.<sup>۳۱</sup>

۵. رواق مسجد: در سه طرف شمال، شرق و غرب مسجد، رواق‌هایی مرکب از دوردیف ستون‌روبه حیاط مرکزی مسجد وجود

داشته است. مجموع ستون‌های رواق‌ها ۳۸ عدد بوده که امروزه فقط پایه ستون‌های بسیار مضطرب آن‌ها بر جای مانده است.

۶. مناره مسجد: این مسجد فقط یک مناره داشته که در گوشه شمال شرقی برپا بوده و امروزه تنها قسمتی از آن به ارتفاع

حدود ۲ متر باقی مانده است. این مناره از آجر ساخته شده و با توجه به فرم قسمت باقیمانده آن، احتمالاً استوانه‌ای شکل بوده

است. آجرهای نمای مناره فروریخته و امروزه هیچ‌گونه تزیین و آجرکاری مشاهده نمی‌شود. این مسجد، به جز یک مناره،

ملحقات دیگری نداشته است (عکس‌های ۳ و ۴).

۷. سایر موارد: از محراب مسجد اثری به دست نیامده و در محلی که قاعدتاً باید محراب باشد، آثار بنای جدیدتری پیدا

شده است. علاوه بر آن، در حال حاضر هیچ‌گونه آثار تزیینی، اعم از آجرکاری، یا گچ‌بری و تزیینات دیگر در بقایای مسجد

شوش مشاهده نمی‌شود. تنها در فاصله حدود ۵۰ متری شمال شرق مسجد، بر روی یکی از تپه‌های همجوار مسجد، دو قطعه

سنگ با نوشته «بسم الله و حمد الله...؟» بر روی زمین فرو افتاده که به احتمال زیاد در ارتباط با بنای مسجد شوش بوده

است. (عکس ۵).

از تاریخ ساخت اطلاع دقیقی در دست نیست. گیرشمن، به کمک سکه‌هایی که در محل مسجد به دست آورده، تاریخ

احداث آن را تخمین زده است. او بهترین مدرک برای تاریخ‌گذاری این مسجد را یکی از قدیم‌ترین سکه‌های یافت‌شده در این

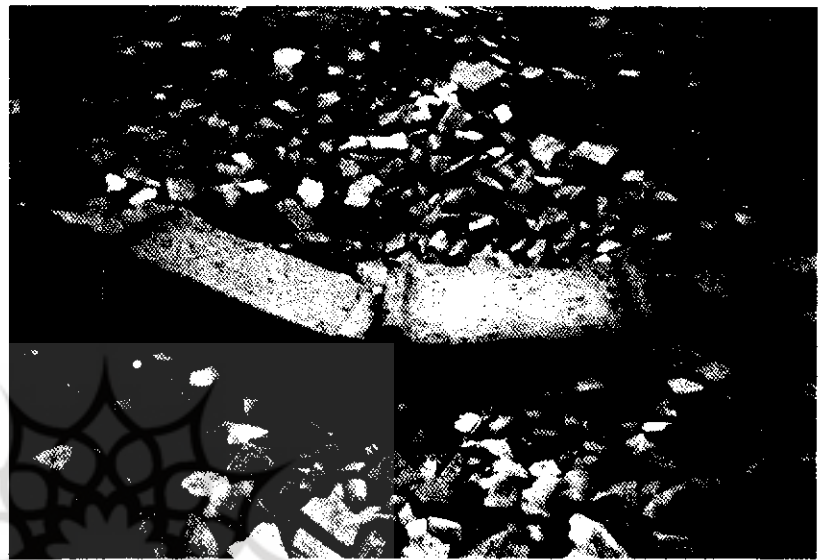
مسجد می‌داند که متعلق به دوران اسلامی است و به سبک سکه‌های بیزانس ضرب شده است. وجود این سکه در این مسجد،

باعث شده تا وی ساختمان مسجد را قدیمی‌ترین بنای مذهبی اسلامی در ایران بداند و بنای آن را به حدود اواخر قرن اول

هجری نسبت دهد. وی پایان عمر این مسجد را قرن هفتم هجری می‌داند.<sup>۳۲</sup> به نظر گروه دیگری از باستان‌شناسان - همان‌طور



که پیشتر ذکر شد - این مسجد دولایه داشته است. این باستان‌شناسان برای مسجد شوش دو دوره ساختمانی قائل‌اند: ساخت اولیه مسجد را تقریباً اواسط قرن اول هجری می‌دانند و معتقدند بعد از ویرانی مسجد اولیه، در آغاز قرن دوم هجری مسجد قدیمی را با آجر بازسازی و بزرگتر بنا کرده‌اند. این محققان، برخلاف نظر گیرشمن، پایان عمر مسجد شوش را قرن پنجم هجری می‌دانند<sup>۳۳</sup> (شکل ۱).



فرجام سخن این که اهمیت مسجد کهن شوش نه تنها به دلیل قدمت آن است، بلکه این مسجد در شمار مساجد ستون‌دار اولیه

بوده و قابل مقایسه با مساجد ستون‌دار اولیه در کوفه و سیراف<sup>۳۴</sup> و نیز مسجد تاریخانه دامغان، که از معماری قبل از اسلام ایران الهام گرفته‌اند، است. از طرف دیگر این مسجد خصوصیتی دارد که ما را به معماری قبل از اسلام ایران توجه می‌دهد<sup>۳۵</sup>. مسلماً بررسی مسجد شوش ما را با چگونگی شکل‌گیری معماری اسلامی ایران، به ویژه معماری مساجد ایرانی، بیشتر رهنمون خواهد ساخت. بدیهی است پژوهش درباره شکل و ترکیب و سایر جزئیات این مسجد، همچنان باقی می‌ماند، همان طور که این نوشتار کامل‌ترین و آخرین یافته در این زمینه نیست.

پایان علوم اسلامی

۱. محمدیوسف کیانی، تاریخ هنر و معماری ایران در دوره اسلامی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۴، ص ۴۰.
۲. احمد بن یحیی البلاذری، فتوح البلدان «بخش مربوط به ایران»، ترجمه دکتر آذرتاش آذرنوش به تصحیح محمد فرزاد، تهران، سروش، ۱۳۶۴، صص ۱۳۳ و ۱۳۴؛ و نیز رک: محمد بن جریر طبری، تاریخ الرسل والملوک، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۱۸۹۴.
۳. شیرین بیانی، هشت مقاله در زمینه تاریخ، تهران، توس، ۱۳۵۲، ص ۱۳۸.
۴. ژان پرو و ژنو بیودلفوس، شوش و جنوب غربی ایران، تاریخ و باستان‌شناسی، ترجمه هایده اقبال، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۶، ص ۲۵۵.
۵. عزت الله نگهبان، شوش یا کهن‌ترین مرکز شهرنشینی جهان، تهران، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۵، ص ۳۷۵.
۶. ژان پرو و...، همان، ص ۲۵۷.

۷. همان، ص ۲۳۲، ۲۳۳ و ۲۴۲.
۸. در سال های ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۸ میلادی کاوش های رمی بوشارلا و ادران لایروس، از باستان شناسان هیئت فرانسوی، در شوش، در ساحل راست رود شاوور محل کارخانه شکر سازی راکشف و حفاری کرده اند و اطلاعات مفیدی در این باره به دست آورده اند. در این زمینه بنگرید به:
- Boucharlat. R., et Labrousse A., "une sucrerie dpoque is Lamiquis sur La rive droite du chaour a suse." cahiers de ia DAFI. 10(1979). pp. 155-190.
۹. فرهاد خانجان چگنی، «نقش آب در شکل گیری تمدن های خوزستان»، مجله کیهان فرهنگی، سال شانزدهم، ش ۱۶۰، بهمن ماه ۱۳۷۸، صص ۶۴-۶۷.
۱۰. ژان پرو، همان ص ۲۵۶.
۱۱. نگهبان، همان، ص ۳۷۵.
۱۲. ژان پرو، همان، ص ۲۵۹.
۱۳. ابواسحق ابراهیم اصطخری، مسالک و ممالک به اهتمام ایرج افشار، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸، ص ۹۲؛ همچنین ابن حوقل در کتاب صورة الارض که حدود سی سال بعد از اصطخری یعنی در سال ۳۶۷ هـ ق به عربی تألیف شده، ضمن اشاره به فراوانی شکر در شوش و صدور پارچه از شوش به نواحی دیگر، مطالبی شبیه به اصطخری ذکر کرده است. رک: سفرنامه ابن حوقل، ایران در صورة الارض، ترجمه و توضیح دکتر جعفر شعار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶، صص ۲۸-۳۶.
۱۴. مجهول المؤلف، حدود العالم من المشرق والمغرب، به کوشش دکتر منوچهر ستوده، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۰، ص ۱۳۹.
۱۵. ابو عبدالله محمد بن احمد مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، بخش دوم، تهران، نشر شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱، ص ۶۰۹.
۱۶. ژان پرو، همان، ص ۲۷۵.
۱۷. حمدالله مستوفی، نزهة القلوب، به اهتمام و تصحیح کی لسترنج، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۲، ص ۱۱۱.
۱۸. کی لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۷، ص ۲۵۸.
19. Acropole.
20. Apadana.
21. Roman Ghirshman.
۲۲. لویی واندنبرگ، باستان شناسی ایران باستان، ترجمه عیسی بهنام، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۸، صص ۸۲-۸۳.
۲۳. عیسی بهنام، «مساجد ایران از ابتدای دوران اسلامی»، مجله بررسی های تاریخی، سال سوم، شماره ۵، شماره مسلسل ۱۷، آذر - دی ۱۳۴۷، صص ۷۷-۷۱.
24. Monique Kervan.
25. Axelle Rougeulle.
26. Kervran M., Rougeulle A., "Recherche sur les niveaux islamiques de la Ville des Artisans, SUSE, 1976 - 1978" Cahiers de La d. A.f.l.N4.1987, PP.10-111.
27. Whitcomb D, kervran M, Hardy-Guilbert c., "Islamic archaeology at susa..." PALEORIENT, volume 11/2-1985, PP.85-113.
۲۸. رک: بی نوشت شماره ۲۶. (ترجمه و تلخیص از همان صفحات)
۲۹. عیسی بهنام، همان مقاله، ص ۷۳.
۳۰. مقدسی، همان.
۳۱. عیسی بهنام، همان جا، و نیز رک: عباس زمانی، تأثیر هنر ساسانی در هنر اسلامی، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و هنر، ۲۵۳۵، ص ۸۵.
۳۲. عیسی بهنام، همان ص ۷۳ و ۷۷.
33. Kervan M. Rougeulle A. op. cit, pp 10-39.
۳۴. درباره مسجد سیراف رک: غلامرضا معصومی، سیراف «بندر طاهری»، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۲، صص ۶۶-۶۷.
۳۵. عباس زمانی، همان، ص ۸۶.